

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۴ دسمبر ۲۰۱۳

شکست دیپلماسی ریاض و تل ابیب



توافق اخیر ایران و غرب به ارتباط پروگرام اتمی ایران، محور ریاض و تل ابیب را به وحشت انداخته است. هر دو کشور عربستان و اسرائیل بر مبنای منافع سیاسی و نظامی خویش سعی می ورزند مانند دور اول آن را به ناکامی مواجه سازند. بعد از انصراف امریکا از حمله به سوریه، این دومین شکست دیپلماتیک عربستان و اسرائیل در منطقه است. توافق ایران و غرب جان تازه ای به نظام آخندی بخشید و موفقیتی را برای ملا های ایران بار آورد. صرف نظر از کیفیت توافق بین ایران و غرب و مفاد و مضار آن برای جانیین (بالاخص امریکا)، در اینجا ناکامی های پی در پی عربستان و اسرائیل و دورنمای معادلات سیاست بین المللی شرق میانه را مورد ارزیابی قرار می دهم. حال مشاهده می نمایم که چرا ایران و امریکا از حالت خصمانه گذشته دوری جسته و آهسته آهسته راه آشتی را در پیش گرفته اند.

ایران بیش از ۳۴ سال است که در سطح جهانی در انزوا بوده و روابطش با غرب به حد قل رسیده است. فشار های سیاسی و اقتصادی از جانب امریکا و متحدین این کشور، ایران را در حالت خفقان آور قرار داده و بلیون ها دالر ایران در بانک های امریکا و اروپا منجمد باقی مانده و از استفاده نظام آخندی خارج شده است. تعزیرات کمرشکن اقتصادی مردم ایران را به ستوه آورده و نارضایتی های عظیمی را سبب گردیده است. روش های تند و بی مفهوم احمدی نژاد و حامیان وی در سیاست داخلی و خارجی، ایران را از نگاه سیاسی بیشتر به سوی انزوا و از نگاه اقتصادی به سوی ورشکستی سوق داد. با وجودی که نظام آخندی، امریکا را در تجاوزات اشغالگرانه اش بر افغانستان و عراق یاری

رساند، لاکن این همکاری ریاکارانه و خیانت آمیز نظام آخندی به کشور های همسایه باعث نشد که واشنگتن تهران را در حلقه محور شرارت داخل نکند. ایران متواتر با تهدیدات و حملات احتمالی نظامی امریکا و اسرائیل مواجه بوده است. اگر برخورد های نظامی بین ایران و امریکا و متحدینش اتفاق بیفتد، نه تنها تأسیسات اتمی بلکه ساختار های زیربنایی اقتصادی اش نیز نابود شده و ایران مانند عراق و لیبیا به سوی انهدام رفته و نظام آخندی از صحنه سیاسی ناپدید خواهد شد. خلاصه این که نیازمندی های سیاسی و اقتصادی و اجبار های داخلی و جهانی تهران را به تسلیم واداشته است.

امریکا هم با از دست دادن ایران، دچار خسارات سیاسی و اقتصادی گردیده است. امریکا از یک منبع مهم انرژی محروم و بیشتر متکی به عربستان و سایر کشور های عرب شده است. امریکا همچنان یک متحد بزرگ سیاسی خود در منطقه را از دست داده و زمینه برای برگشت روسیه و نفوذ روز افزون سیاسی و اقتصادی چین مهیا شده است. ناکامی های پی در پی امریکا بعد از تجاوز بر افغانستان و عراق، دیپلماسی این کشور را در جهان اسلام تضعیف نموده بالاخص این که تا حال قادر نشده و یا نمی تواند روش ضد بشری اسرائیل را به ارتباط تأسیس دولت مستقل فلسطین متوقف سازد و صلح را در شرق میانه تأمین نماید. بهار عرب و شکست نظام های مورد حمایت امریکا در مصر و تونس و ناکامی این کشور در سوریه که نقش روسیه را در حمایت از اسد کاملاً نمایان ساخت و دست ایران را در خنثی ساختن توطئه غرب قویاً ثابت نمود، امریکا را واداشته است که در پالیسی ناکام خود در شرق میانه تجدید نظر نماید. ناکامی های اوپاما در داخل و مشاهده انزوای جورج بوش که کمتر جرأت ظاهر شدن و تبارز را در محافل داخلی و بین المللی دارد، نقش خود را در انصراف امریکا از تجاوز به سوریه و انتخاب روش آشتی جویانه با ایران بازی کرده است. اداره اوپاما شاید به این نتیجه رسیده باشد که در نهایت منافع اسرائیل و امریکا منحصراً یک قدرت مسئول جهانی در منطقه بعضاً از هم جدا می شود. البته این بدین مفهوم نیست که اسرائیل کلاً از حمایت سیاسی و نظامی امریکا محروم شده است. مجموع حوادث و حالات سیاسی در منطقه و جهان سبب شده است که واشنگتن و تهران با هم نزدیک گردند.

توافق مقدماتی ایران و غرب پیرامون "برنامه اتمی" ایران که به تاریخ ۲۴ نومبر در ژنیو صورت گرفت، ریاض و تل ابیب را سخت دست و پاچه ساخته است. این توافق چیغ و فریاد ناتانیاهو را به آسمانها بلند کرد. ناتانیاهو توافق با ایران را یک "خطای تاریخی" خواند. فامیل آل سعود هم در قهر و خشم بی سابقه فرو رفته است. در واقعیت این دومین شکست دیپلماتیک محور ریاض و تل ابیب تلقی می شود. شکست اول با انصراف امریکا از حمله به سوریه بود که ریاض را وادار ساخت با روش کودخانه از پذیرش چوکی غیر دائمی شورای امنیت خوداری ورزد و غضب خود را علیه روش واشنگتن نمایان سازد. فعالیت اسرائیل در سطوح منطقه ئی و جهانی و ازدیاد فشار از جانب گروه های حامی اسرائیل در امریکا در جهت خنثی ساختن توافق ژنیو بین غرب (بالاخص امریکا) و ایران تا حال سودی برای دیپلماسی ناکام اسرائیل در زمینه نداشته است. چرا ریاض و تل ابیب از نزدیکی واشنگتن و تهران در هراس اند؟

آشتی بین تهران و واشنگتن معادلات سیاسی شرق میانه را دگرگون خواهد کرد و تغییرات استراتژیک مهمی را باعث خواهد شد. اسرائیل هراس دارد که ارزش استراتژیکش نزد امریکا تنزل خواهد کرد و نفوذش در منطقه کاهش خواهد یافت. بعد از ختم جنگ سرد، یک تعداد صاحب نظران امریکائی پشتیبانی کامل امریکا از اسرائیل و ارزش استراتژیک این کشور را بعد از ختم جنگ سرد مورد سؤال قرار دادند. اسرائیل همچنان در اضطراب به سر می برد که با پائین آمدن ارزش استراتژیکش مبادا روزی کمک های ۳ بیلیون دلاری امریکا به این کشور زیر سؤال برود. در حال حاضر اسرائیل در منطقه یکه تاز است. با انهدام عراق و بی اهمیت شدن این کشور در توازن نظامی شرق میانه، مصروفیت مصر در داخل و تضعیف قابل ملاحظه سوریه، اسرائیل با دندان های اتمی قدرت حاکم در این

قسمت از جهان شناخته شده و مصمم است که این برتری کیفیتی اش بر اعراب تداوم یابد. نزدیکی تهران و واشنگتن این توازن را از ریشه به ضرر اسرائیل به هم خواهد زد و ایران غنی و پر نفوس را وارد تیاتر منطقه خواهد ساخت. با وجود عقب ماندگی، ایران گام های مؤثری در جهت رفع کمبودی های نظامی خود برداشته که باعث خلق اضطراب در اسرائیل و عربستان شده است. اگر جنگی بین ایران و اسرائیل در بگیرد، اسرائیل هم از صدمات و خسارات مدهش جانی و مالی رهایی نخواهد یافت.

اتخاذ روش جدید امریکا نسبت به حل بحران سوریه و مسأله اتمی ایران، خشم و اعتراض شدید آل سعود را در بر داشته است. عربستان از هیچ گونه فعالیت تخریبی در عقیم ساختن توافق بین واشنگتن و تهران خودداری نکرده است. اظهارات تند و اعتراضات بی جای بندر بن سلطان رئیس استخبارات عربستان به این عملکرد امریکا عکس العمل جدی در واشنگتن خلق نمود که نتیجه آن در سفر اخیر جان کری وزیر امور خارجه امریکا به ریاض به مشاهده رسید. در این سفر جان کری خواستار برکناری بندر بن سلطان شد. ریاض مانند تل ابیب می ترسد که با باز شدن دروازه تهران به سوی واشنگتن، نیاز امریکا به همکاری ستراتیژیک عربستان کاهش یافته و دست قوی این کشور در حوادث شرق میانه بسیار ضعیف خواهد شد. ریاض به این عقیده است که در صورت رهایی ایران از قید تعزیرات اقتصادی، این کشور با نیرومندی بیشتری وارد صحنه خواهد شد و توازن قواء را به ضرر عربستان و سایر کشور های سنی مذهب به هم خواهد زد. آل سعود همچنان می داند که دیتانت تهران - واشنگتن، نیازمندی امریکا را از عربستان به ارتباط استفاده از تیل این کشور طور قابل ملاحظه کاهش داده و شاید هم روزی ایران جای عربستان را در معادله ستراتیژیک واشنگتن در منطقه بگیرد. ایران بازار وسیع برای اموال امریکائی دارد و همچنان سرمایه گذاری های امریکا و برتانیه در ایران برای ساختار های اقتصادی این کشور بیلیون ها دالر در جیب کمپنی های نفت و گاز امریکائی و برتانوی خواهد ریخت. عربستان و سایر کشور های حوزه خلیج فارس شکایت سر داده اند که در مذاکرات پشت پرده بین واشنگتن و تهران که سرانجام به توافق ژنیو انجامید، امریکا با آنها مشوره نکرده و به دوستی خود با آنها پشت پا زده است. زعامت این کشور ها همچنان هراسان اند که نزدیکی امریکا و ایران باعث تداوم قدرت اسد در سوریه خواهد شد و تمام زحمات و سرمایه گذاری آنها در انهدام سوریه به هدر خواهد رفت. با چنین تحولی در شرق میانه، عربستان و اسرائیل در تکاپو افتاده اند که چطور بتوانند توافق ژنیو را بین ایران و غرب به هم زده و اهمیت ستراتیژیک خود را در رویارویی با ایران و سوریه حفظ نمایند. تا اکنون دیپلماسی ریاض و تل ابیب نتیجه دلخواه برای عربستان و اسرائیل بار نیاورده است.